

دو نمایش مستخره

در اعلامیه "کیتنه" مرکزی حزب توده ایران درین بست "رهبری" فرار گرفته ایران دو نمایش همپریسی برای تصویب برخی مواد تازه و بازنگری شده "قانون اساسی و انتخابات مصوبات این شورا را منوط به آرا" مردم در پی ریاست جمهوری به درستی "شعبده بازی نوبتی رژیم" نامگذاری و تحریر شده است. این واقعیتی او که خود را در وضع خطرناکی می دیدند حتی است که خود را در وضع خطرناکی می دیدند حتی با خلاف اصول قانون اساسی ج. ا. که هنوز هم به اعتبار خود باقی است - به "انتخاب رهبر جدید" بازنگری برخی مواد قانون اساسی زمانی بقیه در ص ۲

یادواره رفیق شهید نادر مهریان

در ص ۴

نظام جمهوری اسلامی به عنوان رژیمی بائبات معرفی می گردد. هرچند بسیاری از این شاخنها جنبه عمومی ندارد و ساخته و پرداخته ذهن نویسنده کان است، اما علی رغم این آنان در عمل اکثر جز این بوده، آنکه لازم بنتی آمد تاصیح و شام درباره ثبات سخن گفته شود و برای اثبات وجود آن "دلایل و براهین" ارائه گردد.

از نظر روزنامه "رسالت" یکی از مهم ترین علائم ثبات هر نظامی، توانایی انتخاب رهبر است و چون "خبرگان منتخب مردم" توانسته اند طی مدت کوتاهی، رهبر جدید جمهوری اسلامی را انتخاب کنند، پس رژیم "ولایت فقیه" رژیمی است ابتداء شاخنها و علاوه عومنی برای ارزیابی میزان ثبات هر رژیم مفترضی ارائه می شود و سپس بر اساس آن شاخصها و با تحریف و نادیده گرفتن اوقایعات، رهبر به شیوه مرسوم در جمهوری اسلامی تناخا لحس

بقیه در ص ۲

رویای ثبات

می گویند: نظام جمهوری اسلامی بائبات و مستحکم است، مرک "امام" نه تنها نظام را تضییف نکرده، بلکه به دلیل افزایش "حضور مردم در صحنه" رژیم مستحکم ترازیش شده است... این نیز طبیعی است. زیرا رژیم "ولایت فقیه" هیچگاه مانند امروز دچار بحران عمیق و لاعلاج نبوده است. اگر جز این بوده، آنکه لازم بنتی آمد تاصیح و شام درباره ثبات سخن گفته شود و برای اثبات وجود آن "دلایل و براهین" ارائه گردد.

رسایه داران بازار و روحانیون مرتجع وابسته به آنها طی سلسله مقالاتی تحت عنوان "رأه آینده" از جمله به همین موضوع پرداخته است. در این مقاله ابتداء شاخنها و علاوه عومنی برای ارزیابی میزان ثبات هر رژیم مفترضی ارائه می شود و سپس بر اساس آن شاخصها و با تحریف و نادیده گرفتن اوقایعات، رهبر به شیوه مرسوم در جمهوری اسلامی تناخا لحس

نامه مردم

آرکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۶۹، دوره ششم، سال ششم
سه شنبه ۳ هرآمد هفتم ۱۳۶۸ زیارات

ابتکار عمل در داخل و خارج کشور ضروری است

"نامه مردم" مقالات متعددی پیرامون حقوق و ظایف اعضا حزب، دمکراتی دین حزبی و اصل قبول مسئولیت، مراجعات اضباط آگاهانه و موازین سازمانی در شرایط کار مخفی منتشر ساخته است. این مقالات با توجه به تجربه های احزاب برادر و در درجه اول حزب توده ای خود ماتاشته شده اند. باوجود این از آنچه برخی عناصر "شارافی" می گویند و می نویسند، چنین بر می آید که آنها یا هنوز با موازین سازمانی آشناشی ندارند (فریب خودر دکان) و یا دانسته و فرمیده برای ارضی اشتها جاه طلبی خوبیش (کرد اشند دکان)، به نفس آشکار اصول شناخته شده حزبی می زنند. باید بی پرده گفت که اضباط شکنی و عدول از موازین حزبی از همایعه مهاجرت و زایدیده خود محروم بیهی، جاه طلبی و ... اساسا ویژه روشنگران برخاسته از لایه های خرد همراه روانی است. این بیماری در مهاجرت (کرچه هر شجاعی می خواهد) به آن در مقایسه با مجموعه "بدنه" حزب رفت فر اکبر بزندگ که واقعیت جز این است هیچ بیرونی با وضع حزب دزدان خل ندارد.

هواداران حزب مشکل در هسته ها، با فد اکاری و از جان گذشتگی قابل تحسین و درک عمق از رسالت حزب در برده "تاریخی گنوشی" و ظایف شود را به مهارت انجام می دند و با پذیرش بدون چون و چرا اصل عدم تمرکز، در واقع داولهایانه از برخی حقوق دمکراتیک خود صرف نظر کرده اند. این به معنی عدول از توصیم کری مستقل و شتان دادن ابتكار در کار روزانه نبوده و نبیست. آنها به مهارت انقلابیون حرفه ای در حسنه ترین و خطرناک ترین اوضاع و احوال، با قبول مسئولیت تصویم می کنند، با تغییر وضع شعارهای روزانه را تغییر داده و آنها با خواسته های مردم هم خوان می سازند، به عنوان خبرنگاران "نامه" مردم "جهان بترین اخبار را چیز آوری می کنند" و ... هواداران حزب مشکل در هسته های غیر متمرکز در پیوند تزدیک با توده ها مستند و به همین پیش ضرورت اتحاد عاجل شروع های بیسیاسی دارای نظرات، و غایب مخالف در چه به واحد و جوی شعار موزده بپذیرش مکان راهبردی درک می کنند و می گوشند با سازمان دادن وحدت عمل نیروها از "پاکیز" این روشن حیاتی را تسریع کنند.

می توان برسید؛ چرا هواداران حزب، مشکل در هسته ها، برخلاف پاره ای از افراد در خارج از برگلی در ص ۳

زندانیان سیاسی سودان را آزاد کنید!

رفیق انتیگانی با پاکر، عضو دبیرخانه مرکزی حزب و سردبیر "البیدان" (ارکان حزب) نام برد. رژیم جدید همچنین برخی از افسران عالیرتبه ارش را، که از پشتیبانی آن سرباز زدند، دستکیر و از ارش اخراج کرد. حزب کوئیست سودان در بیانیه ای "مخالفت اصولی خود را با هرگونه اقدام کودتا کردن، استقرار حکومت دیکتاتوری، چه نظامی و چه شیرونقامي و انحصار طلبی" ابراز داشت. حزب توده ایران در نامه ای به حزب برادر در سودان هبستگی خوبی را با این حزب اعلام کرد. حزب در نامه ای دیگر به رژیم کودتا در سودان خواستار "آزادی فوری همه بازداشت شدگان، بازگشت نیروهای مسلح به سربازخانه ها و برقراری حقوق بنیادی دمکراتیک" در آن کشور شد.

*
اقدامات سرکوبگرانه دست زده و کسانی را که به مخالفت با رژیم برخیزند، به مجازات مرگ تهدید کرده اند. بسیاری از سیاستمداران، رهبران احزاب سیاسی، سندیکاهای و روزنامه نگاران سودان بازداشت شده اند. از جمله دستگیر شدگان می توان از رفیق محمد ابراهیم نجود، دبیر کل حزب کوئیست سودان، و

مارا ه پرافتخار شهیدان نوده ای را ادامه خواهیم داد!

پیش انتصاب شده می خواهد رای گیری کند. حتی این امر نیز برای همه سلم است که در انتخابات میان دوره‌ای تهران نیز که هم‌مان انتقام از شد احمد خمینی به مجلس راه خواهد پافت و کرسی خالی رفستگانی را بر خواهد کرد. این امر نشانه "تقسیم قدرت" بدون در نظر گرفتن رای مردم است. بنابراین نتایج "همبرسی" و "انتخابات" از هم اکنون کامل روشن است، مگر آن که امر غیرمنتظره‌ای پیش بیاید. جالب است که یکی از خبرگزاریها پیش‌بینی کرده که ۱۹ میلیون رای به صندوق‌ها ریخته خواهد شد

در این میان آنچه که جلب نظر می‌کند، برخی

تعبد بهاری‌های ریختند بر انگشت است. وزیر کشور پس از ماهها "بررسی" در مورد "آزادی" احزاب و سازمانهای بیاسی - بر اساس وعده‌های رژیم - از آزادی فعالیت چند تشکل مانند "جامعه" روحانیون مبارز، "فاثیان اسلام"، "جمعیت زبان ایران" و "انجمن نویسندگان" (!) نام برده است که در واقع جزوی از خود رژیم مستند و میشه آزادانه فعالیت کرده‌اند. اما در مورد "حقیقت" گروههای سیاسی معتقد به رژیم، ا. بازم وعده‌های سرخر من داده می‌شود، مثلاً وزیر کشور ضمن اشاره به ۶. گروه متقاضی بطور شخص می‌کوید که با تقاضای ۱۴ گروه "بطور اصولی" موافقت شده، منتها هم اکنون بک مکملین و بیه در حال بررسی موافقات آنان است. "طبیعی" است که "بررسی موافقات" هنگامی صورت خواهد گرفت که کار از کار گذشته و دیگر صحبتی از "انتخابات" در میان نیست. یعنی ثویند اروپی از مرگ سه را، این بازی‌های مسخره ظاهر ابرای اثبات وجود آزادی و دمکراسی، مثلاً از طریق دادن اجازه "فعالیت به چند گروه سیاسی" صورت می‌کشد، اما در الواقع نشان دهنده "جو اختناق حاکم هرجامعه و در عین حال ترس رژیم حقیقی از دادن آزادی‌های محدود است. رژیم حتی از نیروهایی که با قبول قانون اساسی و در چهارچوب نظام موجود حاضر به فعالیت هستند هراس دارد، زیرا بدخوبی می‌داند که نفرت و انجار مردم از حاکمیت وقت موجب جذب آنان به سوی هر تبریزی سیاسی، غیر از آنها که بر سر کارند، خواهد شد. نکته دیگر اینکه وزیر کشور این روزها خیلی زیاد از "آزادی" در ج. ا. دم می‌زند، او نام توپی هفتاد و چند نفر را انتخابات ریاست که می‌باشد، ای انتخابات نهادن، و جالب است که همین "قضايا" نیز باتایید باشند. اکنون کاندیداء یعنی رفستگانی و شبیانی، خیلی زود بسته شد و آنچه که البته در ج. ا. وجود خارجی شداره همان آزادی و دمکراسی است. اگر آزادی و دمکراسی وجود داشت رژیم به اقدامهای امنیتی گوتانگون - برای روزهای گیری تازمان شمارش و اعلام آرا دست نمی‌زد و بدینسان هراس خود را از میانی که بر این غیرقابل پیش‌بینی است برملا نمی‌ساخت. حزب ما در اعلامیه "خود به درستی اعلام کرده است که "اراده" خلق در تعیین سرنوشت حال و آینده "خوبی فقط در شرط اعتراف اکید آزادی‌های دمکراتیک و مواد مندرج در بیانیه حقوق بشر می‌تواند تجلی کند. در جامعه‌ای که زبانها را بسته و قلمهار اشکسته اند، در جامعه‌ای که هزاران انسان بیکنایه، یعنی زندانیان سیاسی را بدون محاکمه به جوخداری اعدام می‌سپارند، در کشوری که ترور و اختناق افسران گیوه‌خانه فراموش و اش می‌کند، نمی‌توان از تجلی اراده خلق و حاکمیت مردم سخن به میان آورد.

یا بازیم بر تضمیم کمیته "مرکزی حزب توده" ایران در مورد تحریم انتخابات و هم‌برسی تأکید می‌کنیم.

دوفایش

پرداختند. یعنی، مواد بازنگری شده و جدید فائز اساسی، پویی در مورد "رهبری" پیش از تصویب کشور اند. برای اینکه آنها سرگرم "مبارزه" مرکز و واکنشهای اعتراض آمیز شد، بطوری که خامنه‌ای ناگزیر گردید انتخاب خود را "موقت" اعلام کند، هرچند که با نایابی‌های پیوسته "بیعت" رهبر" چدید ظاهراً موقعیت خود را تثبیت شده می‌بیند. به هر حال تدقیق قطعی این است که از نظر ج. ا. کار هم‌پرسی تمام شده است، چه مردم بخواهند و چه نخواهند.

هرمان و همراه با "همبرسی" "انتخابات" ریاست جمهوری و میان دوره‌ای تهران نیز انجام می‌شود. در این مورد نیز نتیجه کاملاً معلوم است. هاشمی رفستگانی از هم اکنون وظائف رئیس جمهور را به عهده گرفته است و اگر "شورای تکهیان" یا تایید شبهانی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری در کنار او، آن هم از میان هفتادونه نفر داوطلب رقیبی برای رئیس مجلس در نظر گرفته، همه می‌دانند که این یک اندام تشریفاتی بیش نیست. بنابراین رژیم برای یک رئیس جمهور از

بازار مکاره نیز نظم و قاعده‌ای حکم‌فرماست. البته این افراد نایاب در حزب انتخاب شار هستند. حزب هزاران توده‌ای فداکار در داخل و خارج و در زندانها و... است که تحت رهبری کیهان "مرکزی خود به پیکارهای امان علیه دشمن ادامه می‌دهند.

در شرایط شخص کنونی مبارزه در راه ایجاد جیمه وحدت پیش از وظایف حیاتی است و باید در مرکز فعالیت رفقاء در داخل و خارج از کشور فرار کنید. و هنوده حزب در مورد جیمه واحد و شعارهای آن روش است و نیازی به تکرار ندارد. اهانتهای حزبی در داخل پایید به شیوه "همشتنی از هر فرستی برای وحدت عمل با نیروهای ایوپیسیون استفاده کنند. اعضاً و هواداران حزب در مهاجرت نیز باید با همراه وارد بحث با نیروهای ایوپیسیون شوند.

هدف در همه "موارد یکی است، پهلوان کردن زبان مشرک از طریق تکیه بر موارد مشترک، در صورت می‌داد. تفاوت است در این مورد به آثار مشهوری چون "یک کام به پیش و دوگام به پس" "جه باید کرد؟" و... مراجعة کنیم.

کار سازمانی به نوشته "لنین عبارت است از

مهارت حزب و پاروشنتر ترویجی مهارت اعضا" حزب در سازمان دادن توده‌های میلیونی و هدایت آنها به مبارزه "متسلک" کار مستمر در میان توده‌ها از طریق ترویج نظرات و برداشتهای حزب، البته در شرایط ترور و اختناق با توجه اکید به اصول

کارپنهایی.

"کار سازمانی و ترویجی مورد بحث فقط مختص هسته‌های مخفی در داخل نیست و وظیفه اساسی همه "اعضا" حزب در مهاجرت نیز هست، اما افرادی در خارج از کشور، این اصل مسلم را پذیران نیستند. کار سازمانی برای آنها جز فرار از واقعیت‌های زندگی جزئی در شرایط مخفی، آنهم زیر پوش "مبارزه" درون حزبی" و "نواندیشی" نیست. همه می‌دانند اسناد و مدارک رسمی حزب متعکس کننده" سیاست باشند. اکثر اعضاً مستهانه‌افاده اینکار عمل باشند، در شرایط عدم تمرکز سازمانی نمی‌توانند کوچکترین کام مثبتی در مبارزه "روزانه پوش" مبارزه می‌دانند. این اصل رفقاء "مهاجرت" نیز هست. در هر دو مورد داشت و خارجی زندگی کریم، تباید فراموش کرد که انتظامی هم بهره می‌برد. مراجعة کنیم.

بلایه‌خواهی از درایت و اعتماده خود است.

اعضاً و هواداران حزب باید دارای اینکار

باشند. اکثر اعضاً مستهانه‌افاده اینکار عمل باشند، در

شروع این روزهایی اینها بخوبی از هر چه بیشتر

که در حال حاضر، والغیت زندگی ای همه "مام طلبند

تا مبارزه" علیه رژیم ضد خلقی را هرچه بیشتر

کشتنی دهیم، یعنی همه "نیرو و امتحانه عرصه" اصلی

مبارزه - کار در داخل کشور - کنیم. تردیدی نیست

که در این زمینه "مهاجرت" می‌تواند و باید نقش

مهمی ایفا کند. و این نیز روش است که کمک به

مبارزه در داخل کشور باید جنبه "کاملاً مخفی داشته

باشد. اما، تنامی پیاده نده با تمام توان می‌توانند تا

این راه را مسدود کنند. برخی از آنها حتی تا افتخار

محل اقامه مسئولین و انتشار آدرس آنها پیش

می‌روند. نام این عمل را که فقط به تغییر دشمن است چه

می‌توان گذارد؟

بی‌سبب نیست که توده‌ایها صادق ادامه

این وضم در "مهاجرت" را غیر قابل تحمل می‌دانند.

حق با آن رفاقتی است که خواهان بود اشتن مواعظ

پیشوای از سرمه حزب هستند. آنها بدرستی

می‌گویند که حزب بازار مکاره نیست. تازه در

ابتکار عمل در داخل و خارج

تشور حاضر به تحدید داوطلبانه "حقوق خویش شده اند؟ برای اینکه آنها در بطن روید اهدای سیاست کشور اند. برای اینکه آنها سرگرم "مبارزه" مرکز و زندگی ها با دشمن اند و بخوبی می‌دانند که در معاصره "دشمن سخن از مراتع همه جانبه" دمکراتی درون جزئی و علیه زدن، جز آب ریختن به آسیاب پلیس منطقی معنا و مفهومی نمی‌تواند داشته باشد. برای اینکه آنها به حزب توده ای خود، به آرمانهای آن وفادارند و مردم را داشته باشند. رهنمودهای کار مخفی را ضامن دستیابی به اهداف حزب می‌دانند.

البته، توده‌ایها می‌مومن و وفادار در خارج از تکنیک اکثریت فاطح اعضا" و هواداران حزب را تنشیل می‌دهند. این رفقاء، با وجود اشاعر کارشناسی‌های عناصر نایاب در درون جزء و تولفهای کوشاکون دشمنان و مخالفان، باشیستی ملایف متین محوله را انجام می‌دهند. ماء نیازی به اشنا" اتهامها و برجسب‌های بی اساس و در درون حزب نمی‌پینیم. این گونه عنصر سرخورده در درون حزب نمی‌آورند. نایاب معمولاً پیش از هر شکستی از مادران هر سازمان سیاسی، صرفنظر از ماهیت آنها سردر می‌آورند. آنچه در این مقاله مورد نظر است، بحث پیرامون لزوم تشدید کار حزبی در اوضاع و احوال مشخص کنونی است.

کار حزبی سیستم واحد و ناگستینی عناصر فعالیت‌های سازمانی - سیاسی از سویی و نظری - ترویجی از سویی دیگر است. آشنازیان به آثار و ای تلین می‌دانند که وی اهمیت زیادی به کار سازمانی می‌داد. تفاوت است در این مورد بود به آثار مشهوری چون "یک کام به پیش و دوگام به پس" "جه باید کرد؟" و... مراجعة کنیم.

کار سازمانی به نوشته "لنین عبارت است از مهارت حزب و پاروشنتر ترویجی مهارت اعضا" حزب در سازمان دادن توده‌های میلیونی و هدایت آنها به مبارزه "متسلک" کار مستمر در میان توده‌ها از طریق ترویج نظرات و برداشتهای حزب، البته در شرایط ترور و اختناق با توجه اکید به اصول کارپنهایی.

"کار سازمانی و ترویجی مورد بحث فقط مختص هسته‌های مخفی در داخل نیست و وظیفه اساسی همه "اعضا" حزب در مهاجرت نیز هست، اما افرادی در خارج از کشور، این اصل مسلم را پذیران نیستند. کار سازمانی برای آنها جز فرار از واقعیت‌های زندگی جزئی در شرایط مخفی، آنهم زیر پوش "مبارزه" درون حزبی" و "نواندیشی" نیست. همه می‌دانند اسناد و مدارک رسمی حزب متعکس کننده" سیاست باشند. اکثر اعضاً مستهانه‌افاده اینکار عمل باشند، در شرایط عدم تمرکز سازمانی نمی‌توانند کوچکترین کام مثبتی در مبارزه "روزانه پوش" مبارزه می‌دانند. این اصل رفقاء "مهاجرت" نیز هست. در هر دو مورد داشت و خارجی زندگی کریم، تباید فراموش کرد که انتظامی هم بهره می‌برد. مراجعة کنیم.

بلایه‌خواهی از درایت و اعتماده خود است.

اعضاً و هواداران حزب باید دارای اینکار

باشند. اکثر اعضاً مستهانه‌افاده اینکار عمل باشند، در

شروع این روزهایی اینها بخوبی از هر چه بیشتر

که در حال حاضر، والغیت زندگی ای همه "مام طلبند

تا مبارزه" علیه رژیم ضد خلقی را هرچه بیشتر

کشتنی دهیم، یعنی همه "نیرو و امتحانه عرصه" اصلی

مبارزه - کار در داخل کشور - کنیم. تردیدی نیست

که در این زمینه "مهاجرت" می‌تواند و باید نقش

مهمی ایفا کند. و این نیز روش است که کمک به

مبارزه در داخل کشور باید جنبه "کاملاً مخفی داشته

باشد. اما، تنامی پیاده نده با تمام توان می‌توانند تا

این راه را مسدود کنند. برخی از آنها حتی تا افتخار

محل اقامه مسئولین و انتشار آدرس آنها پیش

می‌روند. نام این عمل را که فقط به تغییر دشمن است چه

می‌توان گذارد؟

بی‌سبب نیست که توده‌ایها صادق ادامه

این وضم در "مهاجرت" را غیر قابل تحمل می‌دانند.

حق با آن رفاقتی است که خواهان بود اشتن مواعظ

پیشوای از سرمه حزب هستند. آنها بدرستی

می‌گویند که حزب بازار مکاره نیست. تازه در

شرع پسند: "سخنگوی یک مجموعه و جریان وظیف..."

آقای عبدالجبار شرع پسند، نایابنده کرج، در روز ۱۱ تیرماه در مجلس حضور می‌باشد و در سخنرانی پیش از دستور خود "پس از عرض تسلیت" بمناسبت رحلت حضرت امام قدس سرہ" استعفای خود را "با ذکر دلایلی تقدیم مجلس" می‌کند، در روز ۱۸ تیرماه، یعنی حدود یک هفته بعد نیز صدای جمهوری اسلامی طی یک خبر دوستری در لایلای گزارش خود از مجلس، اعلام داشت که تقاضای استعفای حجت الاسلام شرع پسند، نایابنده کرج مطرح شد و از تصویب نایابنده گان گذشت.

در ارتباط با این استغفار شایان بیان است که نه تنها متن سخنرانی پیش از دستور نایابنده مستعفی که حاوی دلایل کناره‌گیری او بوده است، در هیچ‌یک از مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی، این "ازادترین کشور دنیا" انتشار نیافر، بلکه همچنین کارزار و سیعی بر ضد او سازماندهی شد، بلکه اعلام "راهیمایی بسیجیان، اعضا خانواده شهدا و پرستزل سپاه پاسداران" برای سرمایه‌داری، بلکه به یک خوش سایه‌ترین داشتگی داشتگی داران بوده این نفر، یعنی کمتر از دو سوم نایابنده گان، طی نامه‌ای ضمن آنکه "اظهارات نایابنده مستعفی کرج را شدیداً محکوم کردند"، "خواستار عزل و شدن". شماری از نایابنده گان مجلس و

قلم بدستان و کارکزاران مطبوعاتی روزیم هم فرست را غنیمت شده برای جلب نظر سران جناح نیرومند حاکم در سخنرانی‌های پیش از دستور و در مطبوعات این نایابنده را آماج حملات شدید خود قرار دادند. نه تنها القابی همانند "خائن و منافق"، "هماهنگ" و مفهوا با ضدانقلاب"، "کذاب و مفتری"، "شبپرست به بن بست رسیده" و بیانگر اظهاراتی "در استای اظهارات مفسدین و محاربین" از چپ و راست به او نسبت داده شد، بلکه حتی از "وزارت اطلاعات" خواسته شد که "رویه این مسئله بسیار مهم بررسی و تحقیق" شود و یا روزیم از زبان "اهمی کرج" "خواستار محکمه نایابنده مستعفی شد" و روزهایی نکشید که خبر دستگیری و به آتش گشیدن خانه این نایابنده برسر زبان‌ها افتاد.

حال این پرسش پیش می‌آید که چرا نایابنده ای که سال‌ها در مجلس روزیم سرگرم خدمتگزاری به آن بوده است، باید با خاطر بیان نظرات و اعلام کناره‌گیری با دشمنانه ترین برخوردها روبرو شود؟ نکند این نایابنده به ذم روزیم "ملحد و نفوذی و کروهکی" بوده و اساساً معتقد به نظام جمهوری اسلامی نبوده و قصد پردازی نظام را داشته است؟ بی‌شک پاسخ به این پرسش منفي است. زیرا آقای شرع پسند، محعم و عضوی از اعضا یک خانواده مومن و مسلمان و شهید داده و خود پایبند به اسلام و حاکمیت جمهوری اسلامی است. روش‌ترین دلیل آنهم این است که برای

مواقع و دیدگاههای نایابنده مستعفی

برای شناخت موضع عبدالمجید شرع پسند، حکم نایابنده، اما متناسبه شیوه "برخورد شورای جریان وظیف" می‌توان از چندباره از سخنرانی‌های اذهان عده‌ای مقدس ماب افلاطون... به این او در مجلس در زمینه‌های گوناگون باری ترتیب قانونی که می‌توانست به نوبه خود در گرفت:

* ناطق آنکه به رهنودهای فاش مقام رهبری چرخه‌های انبساط شده داشته باشد، بهمراه "وجاهت درباره" ضرورت "جلوگیری از اختناق، قادویی اش، سست شده، شیوه‌نامه تلقی شد و مردم به محدودیت، خودمحوری و تحمل عقیده شخصی و افزایش چندگاهی کلینی در عین حال آزاد در انتکاهها مقایسه "فاصله" فاحش چند هزار برابری در آمد خودشان و سرمایه‌دارانی که چهبا اهل مالان نامشروع می‌باشد. روز به روز مایوس تر و سخوردتر شدند و مصوبه بدون ضانت اجر ابی مجلس، چافوی سیاسی، حسابی این روزی شود و از کنارتکرات بی‌دستای شد که به جای قطع دست پیغامکار امکنکرو وهم قائم مقام رهبری در این رابطه به سادگی گذشت می‌شود و در حالتی که شاهد چهباشند این است که ایند ابی‌ترین حقوق اجتماعی داشتگیان بوده این که پا بعثت انتقادات عظام له گشته، حتی باورفائزین و خوش سایه‌ترین داشتگریان امام و انقلاب را "خاکریز" نامیدند و معلوم است، به نظر این آقایان با خاکریز چه باید کرد؛ لایدهمان کاری که در سال اول جنگ در چنین روزهای صدام در همینه با آنها کرد!

* نایابنده، مستعفی درباره "التوی رشد و توسعه" گفت:

"اخیراً بعضی‌ها تلاش می‌کنند زاین را به عنوان مدینه" فاضله و الکوبی برای رشد و توسعه کشورمان در جریان بازاری معزی نایابنده و تبلیغ بعضی از ارزش‌های بومی زاین و نکیه بر پیشرفت تکنولوژی آن، روابط و منابعی که می‌سازد سرمایه‌داری زاین را توصیه نمایند، چنان‌جه شاهد بودیم برای تکنگ نایابنده کان و احیاناً بسیاری از مسئولین و دست اندکاران، کتابی با عنوان "زاین، تکور شاره" یک "که توسعه اقتصادی اینکه" تالیف شده است، ارسال داشتند و بخصوص براین نکته تاکید می‌ورزند که مرزی‌ساخت زاین، آزادی پخش خصوصی است و نباید در این شیوه شاهد نمایش پشت سر هم فیلمها و سریال‌های زاینی در سیمای جمهوری اسلامی می‌باشیم، ولی باید برسید چرا سیمای جمهوری اسلامی سرانجام دلت‌بار کشورهای انقلاب کرده و آزاد شده از نظر سیاسی که به خیال رشد و توسعه، به دام کشورهای سرمایه‌داری، باید با اطمینان و استحکام هرچه پیشتر بر اساس آن (همانجا)

- آقای شرع پسند سیس اثهار داشت، متناسبه دل اینان برای سرگردانی و بی‌تفاوی داشتگریان و تشریانی آنها برای اینکه "انقلاب، نمی‌تبدیل، اما برای سرمایه‌داران موجی از تشویش خاطر نکنند، چرا امیتی اقتصادی را تهدید می‌کنند و موجیات سرگردانی سرمایه‌ها را فراهم می‌سازند؟"

- آقای شرع پسند سیس اثهار داشت، متناسبه اکنون با توجه به اینکه در دینداری و اسلام خواهی آقای شرع پسند نی توان تردید روا داشت منطقاً خود را در پاره پرشن تازه‌ای می‌یابیم: پس این نایابنده مستعفی چه "خرده شیشه‌ای" در ذات خود داشته و چه گناهی از او سرزده که آماج کینه توانده ترین حملات اصل ۴۹ قانون اساسی اثهار داشت،

راهیابی به مجلس شورای اسلامی بیش از یک بار از صافی شورای نکهان گذشتند است.

اکنون با توجه به اینکه در دینداری و اسلام خواهی آقای شرع پسند نی توان تردید روا داشت می‌یابیم: پس این نایابنده مستعفی چه "خرده شیشه‌ای" در ذات خود داشته و چه گناهی از او سرزده که آماج کینه توانده ترین حملات قرار گرفته است؟

واقعیت آنست که این نایابنده حقایق انتکارنایابزیری را بیان کرده است. حقایقی که روزیم با بهره‌برداری از زرادخانه تبلیغاتی خود می‌کوشد برآنها پرده بشکد، در واقع دلایل کناره‌گیری نایابنده مستعفی کرج است. این دلایل بطور جسته و گریخته در سخنران نایابنده کان مجلس یا مطبوعات روزیم بازتاب یافته چنین است: "نبود زمینه و عدم امنیت"، "نگرانی شدید از

آینده سیاسی کشور"، "تداوی قدرت در دست عده ای محدود"، "حضور سطحی و تشریفاتی مردم در صحنه"، "وجود ابهامات و سوالات اساسی نسبت به حاکمیت آینده و بلا تکلیفی مردم در حق تعیین سرنوشت"، "عدم مشاهده کنقرین متابعت اصولی بین وضعیت فعلی و حکومت عدل علی" و "عدم انگیزه و رغبت برای اداء فعالیت". حقایقی که از زبان آقای شرع پسند جاری شده است، از آن‌رو بیویه با واکنش شدید و تند جناح "محافظه کار" یا "راستکار"ی حاکم روبرو گردید که پس از مرگ کمینی سران این جناح، در بی‌تعیین موضع خود، نلاش می‌ورزیدند برای جلوگیری از تشدید بی‌ثباتی و فربویاشی نظام، جناح "رادیکال" یا "تندرو" را به دستاویز "حسایت و ضرورت لحظه" و "مصالح نظام و انقلاب اسلامی" به وحدت در زیر پرچم خود بیانیه در ح

نادر مهربان از آزمون آتش سرفراز بروز آمد

دوره آموزش ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند. در سال ۱۳۵۰ برای ادامه تحصیل در مدرسه عالی تلویزیون و سینما به تهران آمد. در سال های ۵۶ و ۵۷ که چنین انتسابی در میهن ما اوج می گرفت کشش عاطفی و احساسی او به حزب توده ایران، در پرتو مطالعه و شناخت، شکل منطقی گرفت و بزرگ خود را در راه و در درون نسایشگاه های عکس از زندگی مردم محروم، با دشواری هایی روبرو شده بود. در سال ۵۸ "در ساده ترین شکل ممکن" ازدواج کرد و میوه این پیوست فرزندی بود بنام خزر. اور حزب نیز نام مستعار "خزر" را برگزید. خزر - دمنه و متلاطم، هستیزا و نیروپخش. نادر که خود فرزند خزر بود.

در سال ۵۹ مدتها را در چبهه گذراند، هنگامی که جنگ خصلت عادلانه داشت. او می گفت باید زیاد دچار احساسات شد. باید "جنگ عادلانه را بادیدی عادلانه پنگریم".

در نهم اردیبهشت ۶۲، هنگام دیدن شوهای تلویزیونی به یکی از یاران دیرینش گفت: ممکن است همین فردا یا چند روز دیگر دستگیرم گندن. او نتفت که واکنش چه خواهد بود، اما تا گفته بیدا بود که می رود تا آزمون آتش را سیاوشی دیگر باشد. همچنانکه گفته بود، او را پس از چند فردای دیگر در نوزدهم اردیبهشت ماه ۶۲ در محل کارش - قسمت پیش سازمان مرکزی رادیو تلویزیون ایران - دستگیر کردند و به پند کشیدند. از آن پس نبرد مرگ و زندگی در هر لحظه و هر دم آغاز شد. این پولاد آبدیده حجم عظیم ظرفیت انقلابی و توده ای اش را به نایش گذارد. تا چهارده ماه رابطه اش بطور کلی با دنیا بیرون قطع بود. فقط شکنجه، یازجویی و انفرادی، در این مدت رنگ چهره اش کاملاً سفید شده بود. او گفته بود: "در کمیته مشترک اصلاح نور زنیدم، شش ماه هم با چشم بسته در انفرادی

در تظاهرات و در گیری های خونین روز ۲۸ مرداد ۱۳۶۲، نادر مهربان که نژادی ششماده بود در آغوش مادرش در خیابان ها و در صوف نیروهای مردمی که نیز پرچم حزب توده ایران گردآمده بودند، غنوده بود. یاد می کنند که در یکی از عکس ها، پرچم حزب بالای سر نادر در اهتزاز بود و این عکس که می توانست مدرک شناسایی عده ای باشد همواره از چشم پلیس سیاسی دور

"من تنها یام، سنگین ترین غروب میگذرد، عشق تو (هم)، عشق خزر (فرزند) و عشق مردم در من زیانه می کشد: حجمی عظیم برای نبرد."

در مهرماه ۵۹، روزی که رفیق نادر مهربان از جبهه چنگ برای مسیرش نامه می نوشت، در خود "حجمی عظیم برای نبرد" می دید. این "حجم عظیم" هیچگاه فروکش نکرد. متعی و سرچشمه او سرشت مردمی اش بود که در حزب وبا حزب معنی می یافت. او نوشت: "شاید اگر حزب نبود، عشقان هم اینقدر عظیم نبود". باید گفت این پیوند دو جانبه است. اگر نادر مهربان و هزاران چون او هم نبودند ریشه های توده ای حزب خشک می شد و در نهایت به یک محفل روشنگری تبدیل می گردید. سرچشمه حیات حزب خون شهیدان توده ای است. باید امروز و آینده در برای این قهرمانان که ریشه های زندگانی حزب را بارور کردند و میکنند سرفورد آورد. عشق و ایثار را باید از آنان آموخت. نادر "کوچکترین ضعف" را نی بخشدید و به زیان حزب می دانست. او توده ای بودن را با پولادین یکی می دانست و این هردو را با "ظرفیت زیاد" می سنجید. او بین لطیف ترین احساسات فردی و "راه پرخوش عشق عظیم" به آینده تابناک پسری پل می زد. او طلب می کرد که "روح بزرگ توده ای بودن را هرگز از یاد نهیریم". او می گفت: "بگذار از این آزمون سرافراز برآئیم"، نادر سرافراز زیست و سرافراز گام در معبر خون نهاد. یکی از دست اندکاران قتل عام زندانیان سیاسی با کینه درباره اش گفت: "او مرتد فطری است. هر چه به او گفتیم توبه کن و اگر کوتاه بیایی در نهادها به قرکار می دهیم، او خنده دید و مسخره کرد. دست آخر هم به جای خواندن "اشهد" شعار زنده باد حزب توده ایران داد".



خزر، صدای مرا بشناس! که مهربان می آیم، پریال همه درنایها، و خانه میکنم در قلبیت. و پرچم را پرمی دارم، و مینشام در کوهپایه فردا، خزر! شیخیم نم، می خیرم هر لحظه با هر موجی، می پویم در نام، در راه، در خاطره ام. خزر! تو هستی و من هستم، و خون و پرچم من باید باشد. و عشق من خواهد پایید. و گرفته هیچ نمی ماند جز خاشاکی برا آب، خزر اصادی مرا بشنو، که همیزان با خلق در راه.

ماند. او در آن هنگام هنوز ششماهنگی اش بسر نشده بود (متولد دوم اسفند ۱۳۱۰). نادر در یک خانواده کارگری در رشت چشم به زندگی گشود.

رفقا! دوستان حزب!

زندان و خواه مالهای پویاندگی در بیرون از زندان بد ارید برای ما ارسال دارید. بزرگداشت روح و راه بزرگ این رفقاء ای از لرزندان خلق که در صدوف حزب تردد ایران در راه به روزی و نیکهختی ترده های ریچ نک نک همزمانشان می گذارد. زندگی سراسر ریچ و کار و پیکار و پاید ارای می رزمهندند، بدست دزخیسان خویش ریچ به خاک و شون در غلطهدند. هر شهید راه خلق می تواند باب دنیاپی از آزمون را به روی انسانها باز بدهیلوسپله حزب ما از شما می طلبید که هر اطلع بای خاطره ای از زندگی کند. خواهشمندیم اطلاعات خود و از جمله هکس رفاقتی شهید را به آدرس شکوهمند این رفقاء شهید - خواه زندگی فردی یا اجتماعی، خواه از سالهای "نامه مردم" ارسال دارید.

روایی ***

زحمتکشان و صاحبیان در آمدهای ثابت را دشوارتر می‌سازد. کمبود شدید ارزاق، عدم توزیع به موقع و ناکافی کالاهای کوچکی، نفوذ کالاهای مصرفی در سطح بازار، کسترنش هولناک و اسطمه‌گری و دلالی از دیگر مشخصه‌های زندگی اقتصادی کشور است. همه اینها دلیل بر وجود بحران عین اقتصادی و شتابانی رژیم در مقابله با آن هاست.

در عرصه‌ای اجتماعی، جامعه‌ها شاهد کسترنش فساد، روش خواری، اختلاس، جنایت، فحشاً و اعتیاد است. "نامه مردم" تاکنون آمار و اطلاعات زیادی در این زمینه‌ها منتشر ساخته و نیازی به تکرار آن هائیست.

در عرصه سیاسی نیز، به دلیل ساختار قانون و سطشی و اختلاف نظر بین جنابهای موجود در حاکمیت، رژیم تاکنون نتوانسته است مسانی چون وجود ارگان‌های موازی و تعدد مرکز قدرت و تنصیم‌گیری را حل کند. هرچند شورای بازنگری قانون اسلامی کوشید تا با تسجیل قانونی نهادهایی چون "شورای تشخیص مصلحت" در کنار مجلس و "شورای تکهبان" و نیز تمرکز در قوه اجرایی، بنیست موجود در قانون گذاری و امور اجرائی کشور را برطرف کند، لیکن واقعیت تعدد مرکز تنصیم‌گیری همچنان پابرجاست و در آینده نیز چون گذشت، منتها هرج و مرج در اداره "کشور خواهد بود. در سطوح پایه‌نی تر نیز وجود ائمه چمده در کنار فرماداران و استاداران، کیمیهای در کنار شهریانی و... هرج و مرج موجود را بسی کثیره تر می‌کند. همه آنچه برسردیم، نتها کوشای از واقعیتی است که "رسالت" تعلیلی به بیان آن ندارد.

"رسالت" بنی از برشاری برخی دیگر از عوامل شبات رژیم، چون "بیشینی و حبابت ملی"- که ارزش بررسی ندارد - به تعیین وظایف برای مردم ایران می‌پردازد. از نظر "رسالت" مردم موظف به "حبابت و تبعیت از رهبری نوین انقلاب" و حفظ نظام اند و باید در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند.

این دعوت نیز با ادعای طرح شده در مقاله تناقض دارد. زیرا اگر خامنه‌ای در واقع نیز مردم حبابت و محبوب مردم بود، در آنصورت دیگر نیازی به دعوت "رسالت" برای "حبابت و تبعیت" از او باقی نمی‌ماند. اما واقعیت جز این است و دعوت "رسالت" نیز تاثیری در این واقعیت به جای نخواهد گذاشت. انتخاب خامنه‌ای به عنوان رهبر، بدلیل خصلت ضدکرانیک این انتخاب، نی تواند مردم پذیرش قودهای مردم فراز گیرد، در آنچه که به انتخابات ریاست جمهوری مربوط می‌شود، رژیم با پرقرار کردن جو اختناق مردم را از حق انتخاب واقعی محروم ساخته است.

موردیدی نیست که سران رژیم خواستار تثبیت نظام جمهوری اسلامی هستند. امامیان خواست و آرزوی آنها واقعیت دره "زیرفی وجود دارد. تباین را نمی‌توان با تبلیغات و های و هوی تامین کرد. برای اینکار طرق و وسایل دیگری لازم است که رژیم جمهوری اسلامی قادر به تامین آنها نباشد. این رژیم دارای ساختناری ناعصاً و فرون وسطایی است و با نیازهای زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی امروزی بیکانه است. چنین رژیمی را نمی‌توان تثبیت کرد.

رژیم قرون وسطایی "ولایت فقیه" و دیگر رژیم‌های ضمدمی مشابه آن است و جنبه "عام" ندارد.

ثانیاً وجود ثبات منوط به انتخاب "رهبر" از سوی جمعی محدودی از "خبرگان" نیست، بلکه وابسته به چنین رهبری تا چه حد با پذیرش و اقبال توده‌های مردم روپروری شود.

انتخاب خامنه‌ای به مقام "رهبر" در تضاد آشکار با قانون اساسی جمهوری اسلامی است. این واقعیت است که حتی آذری قمی صاحب امتیاز روزنامه "رسالت" نیز به آن معتبر است. وی طی مصاحبه‌ای که بلافاصله پس از "انتخاب" خامنه‌ای به عمل آورد، عمل خیرگان را بدهی نحو توجیه کرد که نمی‌شد نظام را بدون رهبر کلیدش. از سوی دیگر علیرغم جاروچنگ‌های مربوط به "بیعت" با خامنه‌ای، نه تنها هیچ دلیلی در جهت تایید او از سوی مردم در دست نیست، بلکه حتی در درون حاکمیت نیز وی با مخالفت جدی روبروست.

در این پاره تنها کافی است تا به تابعه "گروه کثیری از شایانیدگان مجلس خطاب به شورای بازنگری" در اعتراف به تقویت اختیار اتحادیه موقت او برای رکت در مراسم سوگواری پدر شدند و

نیجه‌ای نگرفتند. اما حاکمان شرع خبر مرگ در راه حریه‌ای کردند تا به او ضربه روحی وارد شوند. این‌ها اشتباهی نگرفتند که پرکن تا بندت را

رض کنیم، قبول نکرد. شکنجه‌اش کردند و در این لحظات درد از مرگ پدر آکاهش ساختند، دری که نفس بزرگی در رشد و پرورش شخصیت شنی نایدیم و مقاوم فرزند داشت. همین‌دانش فته‌زاده: آن شب نادر را بیهوش به سلوک از گردانند.

آخرین ملاقات رفیق نادر سه شنبه ۲۸ تیر ۶۷ در پایه‌چال "گوهردشت" بود. از آن پس ملاقات

دانیان سیاسی بطور سراسری متوقف گردید. رفقی که قتل عام آنان را دریبی داشت. روز ششم زماه ۶۷ پس از هفته‌ها پیگیری و مراجعت

بروزه ساعت و حلقه ازدواج و روزی دیگر پاس‌هایش را به خانواده‌اش بازگردانند.

عت مچی او در شش شهریور بازایستاده بود، وزی یا دیروزی که اعدامش کرده بودند. از

برمهای او "ارتداد فطری"، "سازماندهی عتراضات" و "شرکت در عملیات مرصاد - از

زین ایجاد رایطه سازمانی" بود. چه کسی

ی تواند دروغ شرکت نادر و نادرها در "عملیات مرصاد" را باور کند؟ اینان، این دروغ سازان

تعفن و مجریان آگاه و ناخودآگاه طرح‌های بدعلقی "سیا" در مدار پندارهای بیچ خویش

گرفتارند و آقتاب را انتکار می‌کنند. حقیقت ما فروزنده‌تر از خورشید نیمروزان می‌رود تا

معاع‌های خود را از سینه شیشه‌های غبارآلود و ترین خانه‌هادر دورترین شهرها و روستاهای بیرون خوینی‌پیکر رسوخ دهد. و نادر و نادرها چون

نشعله‌ای فروزان صدای کام‌های شوران‌تیز خود را دیگریار در گوش‌ها تکرار خواهند کرد. درود

به دلیل وکود حاکم بر صنایع کشور، هر روزه صدها هزار از کارگران اخراج و بازخرید می‌شوند و به صفا، بیان پیکاران می‌بینند. تورم، علیرغم همه وعده‌ها هم پیش می‌رود و زندگی

نم. - بعد؟ - "اصلاً حرف نزدم، بازجو با دوست آرواره‌هایم را باز می‌کرد تا زبان بازگشته باشد!".

در ۱۶ آبان ۶۷ سرانجام "دادگاه" تشکیل شد و فیض نادر مهربان به ۴ سال زندان محکوم گردید.

دی‌ماه همان سال به "بند کارگری" زندان قزل‌حسار منتقل شد. در مهرماه ۶۶ به "اوین"

رش گردانند. بازجویی‌های مجدد و بی‌تعریباً دف کرفتند تغیرنامه. بازگشت به

قرزل‌حسار، و از آنجا در پائیز ۶۷ به کوهردشت" و در واقع گوهردشت. و هر بار برای آمد بین "گوهردشت" و "اوین"، و هر بار برای

زجی و هر بار او سرپلند و بازجویان را فرستاده ... در اردیبهشت ۶۷ پدرش مرد،

نواده‌اش خواستار آزادی موقت او برای رکت در مراسم سوگواری پدر شدند و در اینجا اش بازگشته شرع خبر مرگ

در راه حریه‌ای کردند تا به او ضربه روحی وارد شوند. این‌ها اشتباهی نگرفتند که پرکن تا بندت را

رض کنیم، قبول نکرد. شکنجه‌اش کردند و در این لحظات درد از مرگ پدر آکاهش ساختند، دری که نفس بزرگی در رشد و پرورش شخصیت شنی نایدیم و مقاوم فرزند داشت. همین‌دانش فته‌زاده: آن شب نادر را بیهوش به سلوک از گردانند.

خروج کارکنان واحدهای درمانی تحت پوشش بنیاد شهید

دکتر بهمنی ابتدا عقب نشینی کرد و گفت: خیابان شیخ هادی تهران که ۸۰۰ نفر هستند، از روز "من فصل اخراج کسی داندم"، ولی بعد از از طرف مقامات رژیم مورد پستیابی قرار گرفت، به تهدید کارکنان پرداخته و اعلام داشت که "هر کس به این تصمیمات اعتراض نکند، پاسدارها را خبر می کنم تا مشکل را حل کنند". با این حال، تاکنون پرسنل زایشگاه به مقاومت خود ادامه داده اند و شکست و مراجعت به نهادهای گوناگون حکومتی ادامه دارد.

قابل توجه است که دکتر بهمنی کاملابه وضع هر اجحان که ۹۹ درصد آنها از اقشار رحمتش و کم درآمد و فقر جامعه هستند و قبلاً برای وضع حمل وقت گرفته اند، بی اعتنایی می کنند. او می گوید: "وقتی هر اجاعه کردند، می بینند زایشگاه بسته است و می روند!".

دکتر بهمنی قبل از میمارستان "نورافشار" را در اختیار داشت که با همین نیازت، کارکنان بیمارستان را اخراج و آنها را به آسایشگاه چانه از آن قبیل کرد. "در مراتنه مدیریت خود را در آستانه اخراج دیدند و از همین در آستانه ایتزو دست به مقاومت و اعتراض زدند. آنها هر روز در زایشگاه اجتماع کردند و مانع از کارکنان بهمنی می شوند. افزون برآن، آنها طی نامه هایی ماجرا را به اطلاع نهشت و وزیری، وزارت بهداشت و درمان، وزارت کار، محلم، دادستانی و بنیاد شهید رسانده و شکایت می کنند.

*

بطوری که از امساً لیست و دریافت حقوق خودداری کردند، پاشاری نمایندگان انجمن اسلامی و شورا نیز مرض واقع نشد و کارگران تمام ۲۱ روز حقوق را مطالبه کردند. سپس، پیشنهاد شد که هر کارگر مبلغی را به عنوان علی الحساب پیگیرد تا اختلافها رفع گردد، ولی باز هم کارگران زیر پار ترقتند.

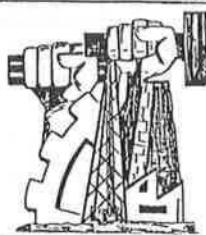
برای رفع حداقل مایحتاج روزمره، کارگرانی که مبلغی ناییز پس انداز داشتند، آنرا با همکاران خود قیمتی کردند. کشکش بین مدیران و کارگران همچنان ادامه دارد.

* ۵۵ نفر از کارکنان هر کفت "کفت کار" رشت بهدت دو هفته مانع از ورود مدیریت به داخل سالن تولیدی شوند. علت اعتراض کارگران، این را اندشنده طرح طبقه بندی مبالغ در این کارخانه بوده است. "شکت کتف کار" که قبلاً تحت پوشش صنایع گسترش و سایت این اعتراضات به آذربایجان شرقی شود.

* کارخانه "نیپارس" با حدود ۲۰۰ کارگر در جاده "قدیم کرج فرادر" ساخت پلهای فلزی متجر که برای جبهه مهماتین کار این کارخانه در زمان جتی بوده است. مسئولان کارخانه با وجودی که در آن زمان شباهت روز از کارگران کار می کشیدند، ولی در موادی از پرداخت کاملاً حقوق و دستمزد کارگران خودداری می کردند و می گفتند که به جبهه اختصاص داده ایم. کارگران نیز با خاطر اینکه به آنها اتهام "اصد انقلاب" زده نشود، و از کار بیکار نگردند، اعتراض نمی گردند. مدیریت جدید، که پس از پذیرش قطعنامه "می تحریک" به آمد، از ابتدای روزهای ۵۹۸ بر سر کار اعمال کرد. از جمله اینکه هرای از دیگر کارگران استان مرکزی تلاش ورزیده اند تا به شکایتشان رسیدگی شود، ولی هنوز به نتیجه ای نرسیده اند.

* از اواسط اردیبهشت ماه، اکثر کارگران

از کارخانه‌ها زندگی و رزم کارگران



* روزهای شنبه و یکشنبه ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ماه، کارگران مجتمع کفش ملی بد لیل عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در این کارخانه دست به اعتراض زدند. آنها با به صدا درآوردن کاشه و بشقابهای خود شدند. شدت اعتراضات کارگران به خواستهای خود شدند. شدت اعتراضات کارگران مانع از سخنرانی مدیریت در سالن غذاخوری شد.

روز یکشنبه، کارگران در مقابله کارخانه در جاده "کرج اجتماع کردند تا جاده را بپندند. ولی مردواران سکوتکر رژیم سرسیدند و ضمن ضرب و شتم کارگران مفترض، ده نفر از آنان را بازداشت کرده و با خود برداشتند. پس از آن، مدیریت قول داد که بخواست کارگران رسیدگی خواهد کرد.

* در یکشنبه آخر فروردین ماه، کارگران "کارخانه" کاشی ایرانی دست به اعتراض می زندند. این اعتراض تا روز ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر، ادامه می یابد. کارگران اعتراضی ضمن اعلام خواستهای صنفی و رفاهی، طی قطعنامه ای، خواهان برگزاری مدیر کارخانه شدند.

در نخستین روزهای اردیبهشت ماه، مدیر غامل کارخانه، مدیران قسمتهاي مختلف را فرآخوانده و به آنها می گوید: "هر طور شده جاید عائله را به پایان بر میانید. کسانی را که دست به تحریک کارگران زده و آنها را به اعتراض کشانده اند، شناسایی و بیشتر از آنها برخورد کنید. این عدد منظور شان تامین خواستهای رفاهی نیست، بلکه هدف اشان یک حرکت سیاسی برای بی اعتبار کردن نظام جمهوری اسلامی است. اینها می خواستند در روز جهانی کارگر قدرت نمایی کنند".

برهایه اخبار موجود، اعتراض بدون تامین خواستهای کارگران، پایان یافته است.

* روزهای ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت ماه، کارگران قسمت پوشش مجتمع تولیدی "شهید صدوقی" به دلیل عدم دریافت چهارماه حقوق، دست از کار می کشند. پس از دو روز اعتراض، کارگران با دریافت قول مساعد مدیریت درباره "پرداخت حقوق معوقه، بر سر کارهای خود باز می گردند.

* بیش از ۳۰۰ تن از کارگران واحد ریخته گردی کارخانه "تراکتور سازی" اراک را در آستانه "سال نو" بدون ذکر هیچ دلیلی باز خرید کرده اند. این کارگران با مراجعت به اداره "کار استان مرکزی تلاش ورزیده اند تا به شکایتشان رسیدگی شود، ولی هنوز به نتیجه ای نرسیده اند.

* از طبقه کارگران متعدد همه چیز، طبقه کارگر متفرق همچیز!

طبقه کارگر متعدد همه چیز، طبقه کارگر متفرق همچیز!

اخراج کارکنان واحدهای درمانی تحت پوشش بنیاد شهید

مراسم حدود چهار ساعت بطول انجامید. پاره‌ای از اجتماعات کارگران برای برگزاری جشن اول ماه مه، با دخالت پلیس همراه بود و کارگران مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. از آن جمله بود گردنهای راهپیمایی کارگران خیاط، ساختمانی و دیگر صنوف شهر سنتنچ. در روز اول ماه مه، کارگران صنوف مختلف شهر سنتنچ در خیابان "قیصی آباد" اجتماع گردند و سپس به راهپیمایی پرداختند. آنها تا محل اداره پست این شهر در خیابان اکباتان راهپیمایی گردند و آنجا به محاصره سپاه پاسداران درآمدند. مزدوران سپاه خواهان پراکنده شدن کارگران شدند، ولی با استناع آنها روپرتو گروگانگوں یاد و خاطره این روز را گرامی داشتند. برای نموده در یکی از کارخانه‌ها و کارخانه‌ها، کارگران با کردهای راهپیمایی و دیگر صنوف شهر سنتنچ. شایان ذکر است که این برای نخستین بار نبود که این کارگران توسط مزدوران سپاه آماج پورش قرار می‌گرفتند، پیش از آن نیز بارها پخاطر طرح خواسته‌ای صنفی‌شان از جمله برپایی سندیکاهای کارگری، مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و شماری از آن میان به اسارت پاسداران درآمدند.

که آنها میخواهند با موضع و اهمیت‌های تازه‌ای که بدست آورده‌اند، نه بد جنگ یک فرد، بلکه به جنگ "یک مجموعه و جریان و طیف" و در یک کلام، یک جناح بروند. از این روزت که نایب رئیس مجلس می‌گوید: "من خواهش می‌کنم که بعضی‌ها نیایند و شفاعت پرکنند و بگویند ایشان آگاه نیست. ایشان کاملاً آگاه است و از حرف‌هایی که می‌زنند، این مسئله کاملاً معلوم است و ایشان سخنگوی یک مجموعه و جریان و طیف است" (اطلاعات - ۶۸/۱۱-۱۲).

این "مجموعه و جریان و طیف" معروف به جناح "رادیکال" یا "تندرو"، دارای دیدگاه‌های خاص خود در زمینه‌های کوئاتون زندگی جامعه است. این جناح که خود طیف رنگارنگی از نیروهای اجتماعی پرخاسته از میان لایه‌ها و طبقات مختلف را دربرمی‌گیرد، در مجموع مخالف تحکیم پایگاه کلان‌سرمایه‌داری وابسته در اقتصاد کشور، احیاء و تحکیم موضع امپریالیسم، بیویه امپریالیسم امریکا در ایران هستند و پخشی از این جناح، همانند منتظری و پخشی از یاراش، در محدوده معینی از آزادی بیان و تشکل پرای این یا آن نیرو و گرایش سیاسی و اجتماعی دفعه می‌کنند.

کناره‌کنی آقای شرع‌پسند و واکنش خشماگین و شدید جناح نیرومند حاکم، آنهم چند هفته پیش از مرگ خمینی، دلیل روشنی است بر بی‌ثباتی رژیم و خصلت عینقاً ضد دمکراتیک آن، عدم وحدت و یکپارچگی در صفواف حاکیت، آشتبانی‌نایابی اخلاقیات جناح‌ها و آغاز دور نازه‌ای از تشدید اختلافات و تنشک‌تر شدن فراینده پایگاه‌های اجتماعی رژیم.

* اخیراً در کارخانه "ایران پوپلین" رشت، طرح طبقه‌بندی مشاغل به مورد اجر اگذشتند، ولی تحریره اجرای طرح چنان بود که در عمل حق اکثر کارگران پایمال می‌شد. از ایندوکارگران نسبت به این حق کنی شدید اغلى افزودند.

* در "کارخانه سهند" (شوند سابق)، اخیراً از آلمان غربی، تمهی نقاله "جدیدی خریداری و نصب شده است. از آنجاییکه به کارگران هیچگونه آموزش چهت کاربا این تمهی نقاله داده شده، در مدت کوتاهی که از نسب آن می‌گذرد، تن از کارگران دستشان لای تمهی نقاله رفته و خرد شده است.

* اخیراً مدیریت تعمیرگاه توپوتا (واقع در خیابان بهار تهران) تصمیم گرفته است که ۲۰ تن از کارکنان خود را اخراج کند. کارکنان این تعمیرگاه حدود ۲۰۰ نفر هستند. اکثر افرادی که برای اخراج مستحب شده‌اند، کسانی هستند که به پائین بودن دستمزد و شرایط سخت کار اعتراض داشته‌اند.

* شرکت تولیدی کفش قدس، در زمان جنگ با دریافت مواد اولیه و تولید پوچین برای سپاه پاسداران به حیات خود ادامه می‌داد. اما اکنون با قطع سفارشات سیاه و قبح قراردادهای مربوطه، کارخانه در آستانه تعطیل فرار گرفته است. کارکنان این شرکت تکران اخراج یا بازخریدشند هستند.

* کارخانه "تولیدی لوازم خاتلی آردن" بخطاطر کمبود مواد اولیه، اقدام به بازخرید کارکنان خود کرده است. مدیران کارخانه از دو سال پیش به این طرف، بعلت کمبود مواد اولیه، ساعت کار کارخانه را به ۵/۶ ساعت کاهش داده‌اند و در نتیجه صرف نهار از برنامه "نمایی کارگران" حذف شده بود.

* در شهر قزوین، کارخانه‌های "سپهر الکترونیک" و "پلی‌وینا" بعلت نداشتن مواد اولیه تعطیل شده‌اند و کارخانه "آلومینیوم البرز" نیز بدلیل کمبود مواد اولیه ساعت کار خود را کاهش داده است.

* در اردبیله‌شت ماه امسال، یک کارگاه چوراب باقی در شهر زنجبار به علت نداشتن مواد اولیه تعطیل شد. این کارگاه قبله ۲۵ کارگر داشت، اما طی سالها و ماههای اخیر با خاطر کمبود مواد اولیه و کاهش تولید ۱۲ نفر از آنها اخراج شده بودند. اکنون با تعطیلی کامل کارخانه، ۱۲ کارگر باقیمانده نیز به صفت بیکاران رانده می‌شوند. یکی از کارگران که ده سال ساقبه "کار در این کارخانه داشت و می‌دانست به صفت بیکاران رانده می‌شوند" بود. پیدا شدند و زاری در خواست می‌کرد که کارخانه را تعطیل نکنند.

کارگران هیاوز را پرای دستیابی

به خواسته‌های صنفی و

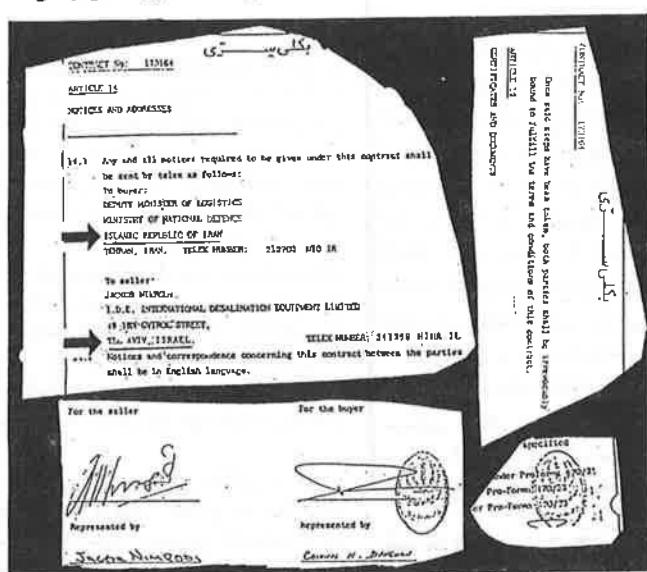
سیاسی تغییر، تشکیل و

نتیجه شمعیل؟

اگر امروز ناینده‌ای که با استفاده از حق مسلم و قانونی خود - حتی در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی - از سمت خویش کناره‌کنی کرده است، بکوهه‌ای گستره آماج پورش "راستکرایان" قرار می‌کنید، تنها پخاطر آنست

یکی از مدارک خرید اسلحه از اسرائیل

خبر امن سندي به زبان انگلیسي (كه دوهزار دلار آمریکائی است و اجازه فروش به قوتوکي آن را ملاحظه مي کنيد و ترجمه فارسي آن تایید سازمان دفاع اسرائیل رسيد) در مترجم فراراد به زبان فارسي، آن را يك از نتیجه در دست است. در مورد خرید اسلحه از اسرائیل به "نامه مردم" رسيد. اين سندي، فراراد ادى مدارک ثادر و غيرقابل انتشار مي داند كه در زمینه است. پهلو يك شركت اسرائیلی به يوش "شركت ۱، نتوانسته است آن را بوسیده تنهاد. اوتاکيد بین الملک ابرانسک زاده با مستوليت محدود" و مي كند، "نيازی به توضیح نیست که این تنها امور لجستیک (تدارکات) وزارت دفاع ملی ج. ۱. فراراد بین ایرانی ها و اسرائیل نیست و اسرائیل به امضا "يعقوب نیمروodi" "نماینده فروشنده" و بارها در این جهت به ایران گفت. این سرنگ ک. دهقان - "نماینده خریدار" شخص واقعیتی است که بر همتان روش است. ج. ۱. که در



دان شعارهای بی بشتوانه ضد اسرائیلی گوی سهقت دادن شعارهای بی بشتوانه وقت وزارت دفاع ج. ۱. را از همتانش ریوود و می زیابد، پیرای صدور درمن فراراد که تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۸۱ را "انقلاب اسلامی" به عراق و دپوت کشورهای منطقه با دارد آدرس شرکت اسرائیلی چنین مشخص شده همان اسرائیلی که شعار شاید آن را می داد و است، "اسرائیل-تل آویو، خیابان کوریول شماره" می دهد وارد معامله شده بود. در جریان ماجرا دیگر کوئی های کیفی بس تقدیمی معاصر در کشورهای سیاست و اقتصاد" موضوع بگیرد. ایران گفت، یادآوری می شود که نقیباد رعیت زمانهای ۴۹ "ایران گفت" این موضوع افشا شد و سندي که خمینی شعار "لین قدر از راه کربلا" را مطرح ساخت، قوتوکي آن را ملاحظه مي کنيد مهر تایید بروانشی سران مترجم ج. ۱. است که پیرای پیشبرد مقامداشان به هر چنایت و تھیانتی دست زدند.

کاس هال ادامه داد: "درست است، سویالیسم در ایالات متحده" آمریکا هنوز در دست روز نیست، اما کوئی های دست کم پایان چهارچو، برداشت خود از سویالیسم را تعیین کنند سویالیسم در جهان امروز دیگر رویان نیست، بلکه بعدی تاکزیری است بر تردیان پیشرو بشریت".

گهک هالی به هزب تیونی این یک وظیفه انقلابی است

به برنامه های رادیویی زحمتکشان ایران گوش فرآهید!

هم میهنان عزیزا اکارگران و زحمتکشان! رادیویی زحمتکشان ایران یانگ رسا و زبان بی پند و آزاد تردهای رنجبر میهن ماست. به برنامه های رادیویی زحمتکشان ایران گوش فرآهید و شنیدن آن را به دوستان و آشنايان خود توصیه کنید.

رادیویی زحمتکشان ایران هر شب در ساعت ۱۹ پیمایت یک ساعت روی امواج کوتاه، ردیف ۷۸ متر (۱.۸۷ کیلومتر)، ۴۹ متر (۰.۴۷ کیلومتر)، و ۶۰ متر (۰.۴۷ کیلومتر) برنامه پخش می کند. این برنامه در ساعت ۲۰ همان روز و صبح روز بعد تکرار می شود.

برای رادیویی زحمتکشان ایران به آدرس
P.B.49034
10028 Stockholm 49
Sweden

سویالیسم: گامی ناگزیر

چند روز پیش حزب کوئیست ایالات متحده آمریکا کفر انسی در شیکاگو برگزار گرد. موضوع کنفرانس وظایف کوئیستهای آمریکا در زمینه "مبارزه طبقاتی - ایدئولوژیک در دوران ما" تعیین شده بود. در این کنفرانس، که ۴۰۰ عضو حزب در آن شرکت داشتند، کاس هال، صدر حزب کوئیست ایالات متحده آمریکا، نیز سخنرانی کرد. او حزب را فراخواند، تا در برای "دگر کوئیهای کیفی بس تقدیمی معاصر در کشورهای سیاست و اقتصاد" موضوع بگیرد. به گفته کاس هال، "سیاست امپریالیسم ایالات متحده" آمریکا نشان می دهد، که (امپریالیسم) هنوز حاضر نیست از جنگ و تجاوز برای پیشبرد هدفهای خود دست بردارد، بیش از پانصد پایتکاه در خارج از کشور، برنامه های "اس. دی. آی" و پافشاری بر جنگ لفڑا های میان بردن هسته ای کوئی براین مدعاست".

کاس هال با ذکر شوشهایی از زندگی اجتماعی در ایالات متحده آمریکا به مخالفت با کسانی برخاست که ادامه پیکار طبقاتی را نفی می کنند. او در این زمینه به یکی از سخنرانی های سرمایه داری جایی برای پیشروستی نمی توان یافت، در حالیکه ایدئولوژی کوئیستهای سویالیست متعدد آلمان در آن مبارزه طبقاتی را "مهمن ترین نیروی مجرک تاریخی در گستره جهانی" خوانده بود. صدر حزب کوئیست ایالات

برقرار باد "جبهه آزادی و صلح"! سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه"!